

تعلیم و تربیت در ایران باستان

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین وسایل اعتلاء اقوام میباشد هر ملت و کشوری که بی موضوع تعلیم و تربیت یعنی دور کن اساسی تمدن بشری بیشتر توجه نماید در ترقیات مدنی همیشه از دیگران پیش خواهد بود و چنانچه یک نظر سطحی بتاریخ عمومی دنیا بیفکنیم میبینیم اقوامی که بعلم و هنر و قوای معنوی متکی بوده اند نفوذشان در جامعه بشریت زیادتر و با دوامتر بوده است برعکس اقوامی که تعلیم و تربیت را اهمیت نداده اند و قدرشان فقط بر پایه مادیات و زور و شمشیر تکیه داشته چون طوفان و باد زود گذر بوده و دوامی نداشته اند مثلاً در خاور میاطله و مغولها باتمام قدرت جهانگیری خود نتوانستند کشورهای مفتوحه را در دست خود نگهدارند زیرا تمدن کشورهای آنی که بدست آورده بودند از تمدن آنها عالیتر و بر روی پایه تعلیم و تربیت استوار بود و در باختر بهمین علت هونها در تمدن لاتینی مستحیل گشتند.

فواید معجز آسای تعلیم و تربیت را علاوه بر فلاسفه و دانشمندان پیشوایان مذهبی و پیامبران نیز تأیید و تأکید کرده اند.

تمدن قدیم ایران باستان امروز چشم جهانیان را خیره ساخته و ما هر جا از عقب ماندگی خود نسبت به کشورهای متمدنی جهان احساس میکنیم شرمندگی در خود نمایم افتخارات گذشته را بکمی میطلبیم و میگوئیم ما اولاد همانهایی هستیم که از دو هزار و پانصد سال پیش ساختمانهایی از خود بیادگار گذارده اند که امروزه مشاهده عظمت آن هر بیننده را وادار بتعظیم و تکریم مینماید و هر ناظری فکر میکند که بدون جراثقال چگونه این ستونهای عظیم را برپا داشته اند ما پسران همان پدرانیم هستیم که پرچم ایران را از سند تانایل باهترار در آوردند.

ما باقیمانده همان ملتی هستیم که تمدن امروزه ملل متمدنی مغرب تا اندازه ای حدیون آن ملت است.



رژه تیب مستقل کیلان در روز ۲۱ آذرماه



رژه دانش آموزان رشت در روز ۲۱ آذرماه



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

و حال آنکه باید بدانیم که فخر بگذشتگان جز از لحاظ حفظ شعاعر ملی فایده‌ای ندارد و دنیا اعمال پر افتخار گذشتگان ما را بحساب ما نمیگذارد. و ماموقعی در این دنیای پهن‌آور و این میدان تنازع بقاء سربلند خواهیم بود که سرترقی و عظمت و برتری اسلاف خود را دریابیم و بآن عمل نمائیم تا این عقب‌ماندگی از قافله تمدن بشری را جبران کنیم و از بیماری مهلك انحطاط رهائی یابیم.

نسخه این داروی گرانبها فقط نزد يك طبیب وجود دارد و آن تاریخ است و این دارو را بجای دو خانه باید از کتابخانه تحصیل نمود متأسفانه جوانان ما اعم از لشکری و کشوری باین موضوع چندان که باید اهمیت نمیدهند و بر خلاف کشورهای مثرقی که با بودن هزاران کتابخانه باز مراجعه کنندگان بنوبه استفاده مینمایند، هر موقع بکتابخانه‌های معدود ایران مراجعه شود تعداد مطالعه کنندگان حتی از تعداد انگلستان يك دست هم کمتر است.

ایرانیان باستان برای تعلیم و تربیت اهمیت زیاد قائل بوده‌اند و از مطالعه کتب مذهبی آنان از قبیل گاتاها و اوستا این مسئله بخوبی مستفاد میگردد. اوستا معارف پروری را یکی از اعمال حسنه و مطابق با اراده اهورا مزدا شمرده است و در آن مخصوصاً قید شده که دانشیان باید دیگران را از علم و تربیت بهره‌مند گردانند و در (وندیداد) آمده است:

«کسیکه میخواهد از علم و هنر بهره‌مند گردد او را از پیام ایزدی برخوردار گردانید، دانشمندان و محققین اروپائی با اهمیت تعلیم و تربیت در ایران باستان اشاراتی نموده‌اند و کسیکه بیش از همه در این مورد تحقیقاتی نموده است دکتر آدنر اپ (A. Rapp) است که در کتاب خود موسوم به (مذهب و مراسم ایرانیان باستان) شرحی راجع به نتایج و تأثیرات تعلیم ایرانیان قدیم بدین مضمون بیان میکند:

«چیزیکه در تاریخ ایران بیش از همه جالب توجه است و روح مهنوی ایرانیان را در زندگانی اجتماعی آنان مجسم مینماید طرز تعلیم و تربیت آنهاست مورخ مزبور میگوید که این تعلیم و تربیت از طفولیت در روح جوانان ایران منشاء احساسات نیکی گردیده و ایشان را دزهر کار به شاهراه راستی و ترقی راهنمایی مینمود و از ابتدا بطوری قوای روحانی و جسمانی ایشان را اهمیای

کار ساخته و جامعه صحیح و سالمی تربیت میکرد که افراد آن در آتیه با آسانی
 میتوانستند خدمات شایان و وظایف خود را بوطن و ملت انجام دهند این طرز
 تعلیم و تربیت که از عصر مادها تا زمان شاهنشاهان هخامنشی در دربار ایران
 برقرار بود در تمام ممالک شرقی نظیر نداشت و بطوری توجه یونانیان بآن جلب
 شد که از زمان هروودت به بعد آن تعلیم و تربیت را از ایرانیان فرا گرفته در
 یونان رواج دادند، هروودت مینویسد، ایرانیان فرزندان خود را غالباً در سه چیز تعلیم
 میدهند اول راستی دوم سواری سوم تیراندازی، گزنفون در کتاب سیرویدی
 Cyropadie (کورس نامه) راجع بآئین تعلیم و تربیت در ایران مفصلاً بحث کرده
 و برای آن مقام بسیار عالی قائل شده است.

از این جهت بعضی اظهارات او را عین واقع نمیدانند و ادعا دارند که
 این طرز تعلیم و تربیت در بین عموم طبقات ایرانی معمول نبوده است.

از گفته‌های گزنفون هم چنین برمیآید که اگر چه عموم ایرانیان از نتایج
 این قسم تعلیم و تربیت بهره‌مند میشدند ولی بطور کلی این طرز تعلیم در بین
 دسته اشراف و بزرگان دربار معمول بوده است چنانکه میگوید:

این دارالعلم و محل تربیت در میدان پهناوری مقابل قصر سلطنتی واقع
 بود و از عمارات دولتی بشمار میرفت و فقط تربیت شدگان آن میتوانستند در
 مشاغل دولتی مقامات عالی را احراز نمایند. در واقع باید گفت منشاء و محیط
 انتشار اولیه این تعلیم و تربیت دربار و خانواده سلطنتی بود و از آنجا بسایرین
 نفوذ مینمود و منتشر میشد. گزنفون در کتاب دیگر خود بنام آنا بازیس میگوید:
 جوانان در فضای باز و گشاده بمقتضای سن بچهار طبقه جداگانه منقسم
 میشوند و این طبقات در تحت توجه معلمین مخصوص اداره میگردد همانطوریکه
 در سایر مدارس نوشتن و خواندن تعلیم داده میشود در این مدرسه تحصیل سواد
 و مشق راستگویی و درست کرداری یکی از مواد اولیه میباشد در این دارالتربیه
 هر گونه گفتار و کردار برخلاف راستی و درستی منع و مرتکب آن تنبیه میشود
 مخصوصاً در روئی و ناسپاسگزاری بسیار ناپسندیده و ممنوع است و همه
 شاگردان باید از آن حذر نمایند و همچنین باید راستی و درستی و فرمانبرداری
 و اعتدال در خوراک و وظیفه شناسی را عملاً مشق کنند و در امور روزانه بکار بندند

«این تعلیم و تربیت تا ۱۶ الی ۱۷ سالگی ادامه دارد و پس از آن تحصیلات دوره دوم شروع میشود که عبارت است از سواری - نیزه بازی - تیراندازی و مدت این دوره نیز قریب ۱۰ سال میباشد.»

«جوانان مطابق این دستور تعلیمات ابتدائی خود را بشکمیل میرسانند و قابل آن میشوند که در امور مختلف دولتی داخل گردند و در مأموریتهای نظامی از قبیل قلع و قمع اشرار و دستگیری آنان شرکت نمایند.»

«این طبقه جوانان در هنگام شکار میتوانند ملازم رکاب شاه باشند و در واقع این تفریح و میدان شکار یک درس ابتدائی است که جوانان را با وضع جنگ آشنا میسازد و شرکت در شکار پادشاه طبعاً آنان را قوی و شجاع و فداکار میآورد پس از انقضاء این دوره یعنی در ۲۵ سالگی جوانان بخوبی از عهده خدمات لشکری و کشوری برمیآیند و در مواقع جنگ در رزمها شرکت مینمایند.»

«سالخوردگان از خدمات لشکری و شرکت در جنگها معاف اند و امور کشوری بخصوص کارهای دادگستری بایشان ارجاع میشود.»
گذشته از گزنفون. از سایر نویسندگان نیز راجع بطرز تعلیم و تربیت و نتایج آن دلایل و شواهد تاریخی در دست است که با جزئی اختلاف ظاهری با نوشته های گزنفون تطبیق میکنند *مبانی و مطالعات تاریخی*
مثلاً نیکولائوس داماسکینوس راجع به کورش چنین مینویسد:
«تعلیم و تربیت کورش مطابق فلسفه و روش مغان بود و او در آن رشته تجربیات خوبی داشت.»

«کورش در دامان راستی و درستی پرورش یافته بود و از رسوم و وظایفی که برای اشخاص بزرگ و مهم مملکت لازم است آگاهی داشت.»
استرابو Strabo راجع به تعلیم و تربیت در ایران باستان روایات قابل ملاحظه دارد و چنین بنظر میرسد که غیر از هرودت و گزنفون مبانی تاریخی دیگری در دست وی بوده است.

استرابو سن مقتضی برای تعلیم و تربیت را از ۷ سالگی الی ۲۴ سالگی تعیین نموده است که در این مدت جوانان بشکمیل تیراندازی و نیزه بازی و

سواری میپرداختند معلمین و استادان این مدرسه در طرز تعلیم و تربیت سبک مخصوصی داشتند و اغلب حکایات تاریخی را مخلوط با افسانهها مینمودند و کارهای پسندیده و خدمات و شجاعت‌های بزرگترین نیاگانشان حتی فرشته‌ها را برای ایجاد شجاعت و تولید احساسات نیک و همچنین برای شکفت و عبرت شاگردان نقل مینمودند .

استرابو میگوید که محصلین علم زراعت و چوپانی نیز میآموختند و پس از اجرای کارهای روزانه بغرس اشجار و گل کاری و تهیه دامهای شکاری و اهلی میپرداختند و این امر بسیار جالب توجه است .

تعلیم و تربیت شاهزادگان که بر حسب ارث میبایست سلطنت یا فرمانفرمائی برسند با دقت و اهتمام بیشتری صورت میگرفت چنانکه افلاطون برنامه تحصیل آنان را بدین طرز بیان میکند :

شاهزادگان از طفولیت نه فقط بدایگان بلکه بخواجه سرایان سپرده میشوند تا با توجه کامل آنان را راست و درست و زیبا و قوی بنیه پرورش دهند و از هفت سالگی شروع بعملیات ابتدائی سواری - شکار - تیراندازی می کنند و از ۱۴ سالگی در تحت نظر چهار معلم ایرانی بر کزیده به تکمیل تحصیلات خود میپردازند باین طریق که بزرگ ترین معلم آنها را از حکمت مغان که بوسیله پیغمبر آریائی زرتشت فرستاده آهوا را نزد آموخت است آگاه میسازد و پارساترین شخص آنان را در هر کار برابستی و درستی و دوری از ستم و حرص و اجتناب از اعمال ناپسند اندرز میدهد و در تهذیب اخلاق آنها میکوشد و شجاعترین شخص آنها را بدلاوری و مردانگی ترغیب مینماید .

تعلیم و تربیت ایرانی یک هدف و مقصد حقیقی و عملی داشت و باین جهت در تأسیس این مدارس جدید داشتند تا رؤسای ادارات دولتی و افسران ارشد قشونی با راستی و درستی و داشتن حس و وظیفه شناسی تربیت شوند و تجربیات عملی حاصل نمایند . از این جهت تعلیم و تربیت آنان تحت نظر دولت و برای خدمت انجام میگرفت .

وای این را که جوانان مجبور به تعلیم و تربیت بوده اند نباید نتیجه استبداد حکومت زمان دانست مقصود از تشکیل مدارس دولتی این نبود که

جوانان پس از تحصیل در آن مطیع محض حکومت شوند و کور کورانه فرمانبرداری نمایند بلکه بالعکس تأسیس این مدارس برای ایجاد و پرورش راستی و درستی و شجاعت و تقویت احساسات میهن پرستی بوده و تعلیم عدالت و آزادی یکی از دروس مخصوص این مدرسه بشمار میرفته است .

بطوریکه از اظهارات گزنفون برمیآید این دارالفنون مخصوص ایران و در تاریخ قدیم دنیا دارای اهمیت فوق العاده بوده است و میتوان گفت همین تعلیم و تربیت بود که اخلاق ملی ایرانیان را برای مدت مدیدی نگاهداشت . نتایج این تعلیم و تربیت در حیات تاریخی و اخلاقی ایران قدیم بخوبی دیده و ملاحظه میشود که چگونه روح ایرانیان را با راستی و درستی و محبت و شجاعت و عفت و ملکات اخلاقی پرورش داده است و چراغ هدایت ایران حق دارد نام نیک شرافتمند جاودانی برای خود تحصیل نماید .

بتصدیق مورخین هیچ یک از ملل شرقی نمیتواند چنین اسناد افتخاری در تاریخ خود نشان دهد . همانطور که ما از نتایج نیک این طرز تعلیم و تربیت تعجب میکنیم بهمان اندازه از قوه فکر و هوش عالی ایرانی در حیرت میمانیم کم در عصر کهن این اساس را باین ترتیب کامل و منظم ساخته است . ایرانیان همیشه در صدد بوده اند که بوسائل ممکنه قوای جسمانی و روحانی جوانان را بحد کمال برسانند تا بتوانند از عهده ادای وظائف خود برآیند .

این باریک بینی و دقت در حیات اخلاقی و اجتماعی ایرانیان بطور یقین با عقائد مذهبی آنان ارتباط کلی داشت این تعالیم روحانی بکمک اصول صحیح تعلیم و تربیت توانست صفات نیک را یکی از خصائل طبیعی ایرانیان سازد و تا قرنها در بین آنان برقرار دارد .

پروفسور پوپ ایران شناس مشهور آمریکائی در سخنرانی اخیر خود که در دانشگاه جنگ ایراد نمود مخصوصاً با اهمیت قوای روحی و معنوی در ارتش اشاره نمود و با ذکر جمله معروف ناپلئون ، که سه ربع قدرت ارتش را قوای روحی و یک ربع آنرا قوای مادی تشکیل میدهد ، اظهار داشت که ایران یکی از ملل فناناپذیر دنیا است . تاریخ ایران نشان میدهد که قدرت تحمل و تجدید نیروی مردم ایران بسیار زیاد است چنانکه این کشور بیش از بیست

بار شکستهای گران خورده است ولی مجدد آقدر است و دوره تازه‌ای در تاریخ برای خویش آغاز نموده و مایه شکفتی و اعجاب جهانیان گشته است و بالاخره چنین نتیجه میگیرد که در این رستاخیز جهانی و جزرومدهای تاریخی ملت ایران بر اثر هوش و استعداد فطری و مخصوصاً تربیت معنوی و اخلاقی از شکستها فاتح بیرون آمده و میراث گرانبهای نیاکان خود را حفظ نموده است و همچنین عقیده دارد که بزرگترین علت پیمشرفتهای کورش و هم چنین سایر سرداران ایران این بود که مردم این کشور از تربیت نظامی برخوردار بودند.

بطوریکه ملاحظه میشود اسلاف مادر صدها سال پیش بهترین برنامه را برای تعلیم و تربیت جوانان خود داشته اند و قوای جسمانی آنها نیز در ردیف قوای روحانی بوسیله مجرب ترین مربیان و در نیکو ترین محلهای پرورش می یافته است بحدیکه این روش مورد توجه کامل مورخین خارجی واقع گشته و سرمشق دنیای قدیم قرار گرفته بود.

در سایه تعلیم و تربیت بود که بقول دارمستتر ایران شناس مشهور از فتوحات اسکندر در ایران جز هیاهویی باقی نماند نیاکان ما بر اثر همین نیروی اخلاقی و معنوی خود با آنکه دین اسلام را قبول نمودند حاضر نشدند تحت سلطه اعراب بمانند و پس از دویمت سال با مجاهدت زیاد استقلال و زبان و ملیت خود را احیا کردند. با همین نیرو بود که با وجود تهاجمات خونین مغول و قتل و غارت های وحشتناک چنگیز و تیمور باز ایران بر سر پای خود ایستاد و از آن همه قدرت و سطوت مهاجمین اثری باقی نماند.

بر اثر همین قدرت معنوی بود که سلاطین عثمانی (که پادشاهان اروپا از دستشان خواب راحت نداشتند و تا قلب اروپا پیمش رفته بودند) همیشه از پشت دیوار ایران سرشکسته و بدون اخذ نتیجه باز میگشتند و بالاخره آخرین آزمایش نفوذ معنوی تعلیم و تربیت ایرانی در همین پرستی و اتحاد در مقابل خطر در آذرماه ۱۳۲۵ در آذربایجان بعمل آمد و دیده شد که چگونه جمعی میهن پرست با دست خالی ولی قلبی مجهز به نیروی ایمان و آکنده از مهر ایران هزاران متجاسر بی ایمان را که بانواع سلاحهای جدید مجهز بودند قبل از ورود ارتش منهزم ساختند و لانه و کاشانه خود را از لوث وجود ماجراجویان پاک نمودند.

از این همه تجربیات تاریخی چنین نتیجه میگیریم که از يك طرف باید وسائل مادی و تجهیزات و تعلیمات ارتش خود را پابپای ارتشهای ملل متمدنی پیش ببریم و از طرف دیگر مانند اجداد باستانی با نیروی تعلیم و تربیت و اخلاق قوای معنوی افراد مات خود را پرورش دهیم و خود را برای مقابله با هر پیش آمد احتمالی آماده سازیم تا در برابر تاریخ و در قبال روح اسلاف بزرگوار خود شرمنده نباشیم و این ودیعه گران بهای الهی یعنی میهن عزیز خود ایران را صحیح و سالم باخلاف خویش تحویل دهیم.

